The Nature, Effects and Requirements of Child Adoption in Iranian Law with a Comparative View of Islamic Principles and British law

Marjan Arastooie[1]

Abstract

Adoption is an essential entity in current societies which in addition to providing the benefits for children without a guardian and couples without children, will have positive social implications and so it's necessary to adapt its rules to social requirements. In this study, the nature, conditions and effects of adoption in Iranian law were reviewed with a comparative looking at Islamic law as well as English law. Data analysis indicates that in Iranian law, following Islamic law, there is incomplete form of adoption and despite recent legislative progress and development, the effects of adoption are not sufficiently and effectively provided in the law, while the principles and Islamic teachings show capacities to strengthen the entity of adoption by considering social conditions and requirements. In English law, on the other hand, a complete adoption system is applied, according to which the relationship resulting from adoption is fully consistent with the legal relationship between the children and their biological parents. However, in recent rules, a kind of incomplete adoption under the name of special guardianship has been identified in the law of this country, which has provided a dual system for taking advantage of different approaches to adoption.

Keywords

Adoption, Nature, Circumstances, Iranian law, English law

1. Master of Private Law, Department of Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: marjanarastooe@gmail.com

Original Article Received: 30 Jan 2020 Accepted: 10 Aug 2020

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

Please cite this article as: Arastooie M. The Nature, Effects and Requirements of Child Adoption in Iranian Law with a Comparative View of Islamic Principles and British law. Child Rights J 2020; 2(6): 109-143.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان

مرجان ارسطویی[۱]

چکیده

فرزندخواندگی نهادی ضروری در جوامع کنونی به حساب می‌آید که علاوه بر تأمین منافع کودکان بی‌سرپرست و زوجین بدون فرزند، تأثیرات اجتماعی مثبتی به دنبال خواهد داشت و نیاز است که قواعد آن با مقتضیات اجتماعی انطباق یابد. در این مطالعه، ماهیت، شرایط و آثار فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در حقوق اسلام و همچنین حقوق انگلستان، بررسی شد. تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که در حقوق ایران به تبعیت از حقوق اسلام، فرزندخواندگی به شکل ناقص آن وجود دارد و به رغم پیشرفت و توسعه تقنینی اخیر، آثار فرزندخواندگی در قانون به اندازه کافی و موثر پیش‌بینی نشده است؛ این در حالی است که مبانی و آموزه‌های اسلامی ظرفیت‌هایی را جهت تقویت نهاد فرزندخواندگی با ملاحظه شرایط و اقتضائات اجتماعی نشان می‌دهند. از طرفی، در حقوق انگلیس سیستم فرزندخواندگی کامل اعمال می‌شود که براساس آن رابطه ناشی از فرزندخواندگی کاملاً منطبق با رابطه قانونی اطفال و والدین زیستی خود می‌باشد. با وجود این در قوانین اخیر نوعی از فرزندخواندگی ناقص تحت عنوان قیمومت ویژه نیز در حقوق این کشور شناسایی شده است که این سیستم دوگانه زمینه را برای بهره‌گیری از رویکردهای گوناگون فرزندخواندگی فراهم آورده است.

واژگان کلیدی

فرزندخواندگی، ماهیت، شرایط، حقوق ایران، حقوق انگلستان

---

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: marjanarastooe@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۸/۱۱/۱۰ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۹/۰۵/۱۹

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

مقدمه

پدیده‌های یتیمی و شبه‌یتیمی، و محرومیت عاطفی کودکانی که از نعمت وجود والدین یا داشتن والدین مناسب بی‌بهره‌اند، واقعیتی انکارناپذیر و در عین حال دردناک در جوامع انسانی است. در سویی دیگر اما، ناباروری و آرزوی فرزندآوری و عشق‌ورزی به او، در میان برخی از مردان و زنان جامعه به عنوان یک معضل خانوادگی و اجتماعی وجود دارد و بر این اساس، نهاد فرزندخواندگی پاسخی طبیعی برای ارضای نیازی دوسویه است. این نهاد حقوقی، سبقه‌ای طولانی و کارکرد قابل‌توجهی در طول تاریخ بشریت داشته است. اهمیت این نهاد تا جایی است که در اسناد بین‌المللی نظیر مواد ۲۰ و ۲۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ سازمان ملل، به فرزندخواندگی پرداخته شده است و از کشورهایی که فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته‌اند، خواسته شده که منافع عالیه کودک را در اولویت قرار دهند.

مرجان ارسطویی

فرزندخواندگی عبارت از یک رابطه حقوقی است که بر اثر پذیرفته شدن طفلی به عنوان فرزند، از جانب زن و مردی به وجود می‌آید؛ بدون آنکه پذیرندگان طفل، پدر و مادر واقعی آن طفل باشند (۱). هدف اصلی تأسیس فرزندخواندگی برای حمایت مادی و معنوی از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست است. در حقوق داخلی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ در ماده نخست صراحتاً بیان می‌دارد که سرپرستی کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان، با اذن مقام معظم رهبری و مطابق مقررات این قانون صورت می‌گیرد. در قانون سال ۲۰۰۲ انگلستان نیز در بخش‌های مختلف، تأکید ویژه‌ای به رعایت حفظ حداکثری غبطه و منافع کودکان در فرایند فرزندخواندگی آنان شده است. از منظری دیگر، حفظ بنیان خانواده و همچنین ایجاد سلامت روحی و روانی برای کودکان به عنوان آینده‌سازان کشور و والدین به عنوان نیروی کار و سرمایه‌های جامعه، کاستن از هزینه اقتصادی و ناکارآمدی نگهداری کودکان در پرورشگاه‌ها، پیشگیری از ایجاد شخصیت‌های ضداجتماعی و بزهکار و یا افسرده و درمانده در جامعه، مسائل

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

مهمی هستند که جنبه منافع اجتماعی و کلان نهادینه‌نمایی فرزندخواندگی را در جامعه به خوبی به نمایش می‌گذارند.

در قوانین ایران فرزند خواندگی به آن مفهومی که در کشورهای دیگر به خصوص در حقوق غرب (و در مطالعه تطبیقی حاضر در حقوق انگلیس) وجود دارد مورد قبول نبوده است. نخست این که قانون مدنی ایران به پیروی از شریعت اسلام و فقه، درباره فرزند خواندگی ساکت است؛ لیکن با وجود این، طبق قانون حمایت از کودکان بی-سرپرست که در سال ۱۳۵۳ به تصویب رسید و متعاقباً جای خود را به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ داد، نهاد سرپرستی که به نظر می‌رسد مرتبه خفیفی از فرزندخواندگی است، مورد پذیرش واقع گردیده و آثار، شرایط و تعهدات سرپرستی نیز وفق قانون مزبور، تا حدی مورد نظر قرار گرفته است.

بنابراین مسئله نخست این است که ماهیت فرزندخواندگی در حقوق ایران تبیین شود؛ ماهیتی که در تمیز و تشخیص آن باید به مبانی و آموزه‌های اسلامی رجوع و توجه نمود. همچنین مقایسه فرزندخواندگی در حقوق انگلستان با سرپرستی در حقوق ایران، تمایز نگاه ماهیت شناختی به این نهاد را در این دو نظام حقوقی جلوه‌گر می‌کند. طبیعتاً نوع نگرش به ماهیت فرزندخواندگی، آثار حقوقی مترتب بر آن را نیز در هر یک از نظام‌های حقوقی مورد بررسی متأثر خواهد نمود که به این مسأله نیز در جای خود می‌پردازیم.

اما وجه قابل بررسی دیگری که در اقبال خانواده‌ها به فرزندخواندگی و بهره‌مندی از کارکردهای آن در جامعه موثر خواهد بود، شرایط اخذ سرپرستی و فرزندخواندگی است. امری که به نظر می‌رسد در قانون اخیر ایران با رویکردی قابل تقدیر به سمت تساهل و تمهید شرایط سرپرستی کودکان فاقد سرپرست، سوق یافته است. همچنین، شرایط فرزند خواندگی مشتمل بر شرایط ماهوی (مثل سن و جنس و اقامتگاه و...) و نیز شرایط شکلی (چگونگی درخواست‌ها و نحوه رسیدگی) در قوانین و رویه‌های جاری کشور انگلستان از جمله قانون کودک مصوب ۱۹۸۹، قانون پذیرش سرپرستی ۱۹۹۹ و

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

قانون فرزند خواندگی و کودکان مصوب ۲۰۰۲، و سایر مقررات و دستورالعمل‌های عمدتاً شکلی، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

زمینه تاریخی فرزندخواندگی در اسلام، ایران و انگلستان

در بین اقوام و قبایل عرب و شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام آیینی به نام تبنّی و فرزندخواندگی مرسوم بود و فرزندخوانده «دُعی» نامیده می‌شد. اصطلاح «ادعیاء» جمع مکسر دَعِیّ است که در قرآن به معنای پسرخواندگان به کار رفته است. فرهنگ بادیه‌نشینی و قبیله‌ای عرب و تنگناهای معیشتی مردم در آن صحرای سوزان، و تهدید همیشگی غارت و تهاجم، منجر به اهمیت یافتن پسران با توجه به تقویت قدرت خانواده و قبیله و بی‌ارزش شدن دختران به واسطه فکر سطحی اندیش ناکارآمدی زن و ترس از تحمل حقارت ربوده شدن و هتک حرمت وی بود. آنها هرچه بیشتر صاحب پسر می‌شدند بر قدرتشان افزوده می‌شد و اگر خانواده‌ای پسر نداشت یا تعداد آنها کم بود، از طریق فرزندخواندگی این کمبود را جبران می‌کرد؛ لذا داشتن پسرخوانده امری پسندیده به شمار می‌رفت و بین پدرخوانده و فرزندخوانده یا مادرخوانده و پسرخوانده براساس سنت دیرینه روابطی وجود داشت و ضوابطی حاکم بود؛ از جمله اینکه، فرزندخوانده از پذیرنده فرزند ارث می‌برد و زوجه فرزندخوانده مثل زوجه فرزند واقعی عروس پدرخوانده محسوب می‌گردید. بنابراین اگر فرزندخوانده‌ای زوجه خود را طلاق می‌داد و یا در اثر فوت یا کشته شدن فرزندخوانده زوجه‌اش بیوه می‌شد، پدرخوانده مجاز نبود با زن پسرخوانده ازدواج کند که این طرز تفکّر در میان مردم قوت داشت و در ابتدای پیدایش اسلام نیز با شدت و تعصّب فراوان رعایت می‌گردید ولی با رشد و توسعه اسلام در زمینه‌های مختلف اجتماعی از جمله در فرزندخواندگی تحوّلاتی به وجود آمد و بنابر قولی فرزندخواندگی به این سبک در اسلام منسوخ گردید (۱).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

اساس تلاش اسلام و پیغمبر (ص) بر شکستن بت‌های نفس و نابود کردن بسیاری از معیارهای غلط دوران جاهلیّت و جایگزین کردن ارزش‌های واقعی و کرامت‌های انسانی بر مفاخر واهی قبیله‌ای و عشیره‌ای و برتری دادن تقوا بر قدرت مادّی و ظاهری و استقرار عدالت و ریشه‌کن کردن اختلاف طبقاتی استوار بود و برای نیل به این اهداف، پیامبر اکرم (ص) طرق مختلفی را می‌پیمود و از ابزار متفاوتی استفاده می‌کرد. از جمله اقدام ایشان برای استوار کردن عقیده «انَّ اَکرمکم عنداللّهِ اَتقیکم» این بود که از زینب ـدخترعمه خود، که زنی صاحب جمال و مادرش از قبیله قریش و پدرش از قبیله معروف اسدی بودـ برای زید فرزندخوانده خود (که غلامی آزادشده بود) خواستگاری کرد و زینب به ازدواج زید درآمد. ولی شاید به واسطه این که جامعه آن زمان و طرز تفکّر مردم هنوز آمادگی پذیرش فکر بلند پیامبر را نداشت، این وصلت ادامه نیافت و بعد از مدتی بین زید و زینب اختلاف پیش آمد و توصیه پیامبر بر ادامه زندگی این دو نفر مفید واقع نشد و آن دو از یکدیگر جدا شدند. بعد از وقوع طلاق و انقضای عده، پیامبر بنابر عللی تصمیم گرفت زینب را به ازدواج خود درآورد. بعد از وقوع ازدواج بین پیامبر و زینب ـکه در نظر اعراب نوعی خرق عادت بودـ این امر مورد اعتراض شدید مردم، خصوصاً دشمنان پیامبر واقع گردید و بر او خرده گرفتند که چرا وی بر خلاف رسم عرب با عروس خود ازدواج کرده ولی ما را از آن نهی می‌کند (۱).

آیه کریمه ۴۰ از سوره احزاب در این زمینه می‌فرماید: «ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول‌اللّه و خاتم النّبیّین و کان اللّه بکل شیء علیما» و همچنین در آیه ۴ همان سوره ذکر شده است: «...ما جعل ادعیائکم ابنائکم ذلکم قولکم بافواهکم و اللّه یقول الحق و هو یهدی السبیل» و در آیه ۵ همین سوره چنین آمده است: «ادعوهم لابائهم هو اقسط عنداللّه فان لم تعلموا آبائهم فاخوانکم فی‌الدین و موالیکم...». در دو آیه اخیر تصریح شده که فرزندخواندگان شما فرزند واقعی و صلبی شما نیستند و آنچه شما می‌گویید و چنین طفلی را فرزند خود یا دیگران می‌نامید، واقعیّت و حقیقت ندارد. باید فرزندخوانده‌ها را به نام پدران واقعی آنها بنامید که درست و واقعیّت همین است و اگر پدر آنها مشخص نباشد، این‌گونه افراد برادران دینی و دوستان و یاوران شما تلقی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

می‌گردند. آیه ۳۷ سوره احزاب، در این رابطه حکم کلی را چنین مقرر می‌دارد: «...لایکون علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیائهم اذا قضوا منهن وطرا...» بدین معنا که ازدواج با زنان پسرخوانده‌ها بعد از انحلال زناشوئی ممنوع نیست.

اما اگرچه این تلقی نسبت به سنت فرزندخواندگی در قرآن و اسلام وجود دارد لیکن از طرف دیگر باید در نظر داشت که با توجه به آیات قرآن کریم و روایات، پدیده یتیمی از موضوعاتی است که نه تنها مورد تأکید اسلام، بلکه مورد توجه تمامی ادیان الهی در تاریخ بشریت می‌باشد. در حقیقت این کودکان در همه آموزه‌های دینی مورد التفات بوده و بر ضرورت تعهد نسبت به آنها و امنیت از تجاوز به حقوقشان و ترغیب در جلب دوستی و اظهار لطف به آنان تاکید بسیار شده تا آنجا که رعایت حال یتیمان از جمله بندهای عهدنامه‌ای است که خداوند متعال از قوم بنی اسرائیل گرفته و در سوره بقره آیه ۸۳، چنین بیان شده است: «و اذ اخذنا میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الا الله و بالوالدین احسانا و ذی القربی والیتامی والمساکین... »

قرآن کریم در آیات متعدد نیکی نمودن و رسیدگی به امور مادی و معنوی ایتام را به دنبال احسان به والدین قرار داده است (نساء/۳۶-۳۷) همچنین قرآن، ضمن تاکید به عدم نزدیک شدن به مال یتیم (نساء/۱۰؛ اسراء/۳۴)، چگونگی مصرف کردن و تصرف اموال یتیمان (نساء/۶) را با رعایت قسط و عدل (نساء/۱۲۷) متذکر گردیده است و دقت در حفظ و نگهداری دارایی آنان را مورد سفارش قرار می‌دهد و از تبدیل و مخلوط کردن اموالشان نهی فرموده است (نساء/۲). قرآن، جفا در حق یتیم را از نشانه‌های تکذیب دین و قیامت می‌داند (ماعون/۲) و از راندن آنان و بدرفتاری با آن‌ها به شدت نهی می‌کند (فجر/۱۷؛ ضحی/۹).

پیامبر اکرم (ص) که خود نیز طعم یتیمی را چشیده است، نسبت به این موضوع به طور جدی توصیه می‌نمایند و مردم را همواره به سرپرستی یتیمان سفارش می‌کنند و می‌فرمایند: من عال یتیما حتی یستغنی اوجب الله عز و جل له بذالک الجنه کما اوجب لاکل مال الیتیم النار (۲) هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا وی را بی‌نیاز گرداند، خداوند به سبب این عمل، بهشت را بر او واجب می‌سازد، همچنان که آتش دوزخ را بر

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

خورنده مال یتیم واجب ساخته است. ایشان همچنین می‌فرمایند بهترین خانه‌های مسلمانان خانه‌ای است که در آن یتیمی باشد و به او نیکی کنند (۳) در سخنان امیرمومنان (ع) نیز وارد شده است: «کافل الیتیم و المسکین عند الله من المکرمین»؛ سرپرست یتیم و مسکین، نزد خدا از گرامی داشته شدگان است (۴) و نیز می‌فرماید: «کافل الیتیم اثیر عند الله» (۴).

نظر به آنچه که تنها به عنوان نمونه‌ای از روایات بسیار در این باب گفته شد، برخلاف این تصور اولیه که ممکن است فرزندخواندگی در اسلام به طور کلی منسوخ شده باشد، به نظر می‌رسد که اصل فرزندخواندگی و سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست در اسلام امری پذیرفته شده و حتی ستایش شده است که به آن اجر و پاداش دنیوی و اخروی تعلق می‌گیرد؛ منتها همانطور که در مباحث آتی بیشتر صحبت خواهیم نمود این ماهیت و اثر فرزندخواندگی است که در حقوق اسلام با آنچه که پیش از آن بوده، تفاوت پیدا کرده است.

به لحاظ تاریخی، در ایران هم قبل از حمله اعراب و پیش از استقرار ضوابط اسلامی، فرزندخواندگی توأم با اعتقادات مذهبی امری مرسوم بود. زرتشتیان که بیشتر مردم ایران را تشکیل می‌دادند، بر این باور بودند که فرزند هر کس پل ورود او به بهشت است و افراد فاقد اولاد در روز قیامت و دنیای دیگر پلی ندارند تا از طریق آن وارد بهشت گردند؛ این‌گونه افراد عقیم و بدون‌فرزند می‌توانستند از راه فرزندخواندگی برای ورود به بهشت پل‌سازی نمایند. در ایران سه نوع فرزندخواندگی مرسوم بود: نخست؛ «فرزندخوانده انتخابی» و آن فرزندخوانده‌ای بود که پدر و مادر خوانده فاقد فرزند، در زمان حیات خود، او را به فرزندی می‌پذیرفتند. دوم؛ «فرزندخوانده قهری»؛ زن ممتازه یا دختر منحصر متوفایی بود که آن متوفی برادر یا پسری نداشت که در این صورت آن زن یا دختر بدون اراده و به‌طور قهری فرزندخوانده متوفی محسوب می‌گردید و سوم؛ فرزندخوانده‌ای که ورثه متوفای بدون اولاد بعد از فوتش برای او انتخاب می‌کردند. فرزندخوانده از هر نوع که بود به قائم مقامی متوفی، مراسم مذهبی را انجام می‌داد و تمام اختیارات و قدرت متوفی به فرزندخوانده وی انتقال می‌یافت (۱).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

در ایران بعد از انقراض حکومت ساسانیان و ورود احکام اسلام به این کشور، فرزندخواندگی منسوخ گردید و تا سال ۱۳۵۳ شمسی این نهاد مهم حقوقی و اجتماعی فاقد پایگاه قانونی بود و فقط در میان اقلیت‌های غیرمسلمان بر اساس آیین و مذهب آنان اعمال می‌شد و برابر قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲ منشأ آثار حقوقی برای این اقلیت‌ها بود به طوری که آنان مطابق با عادات مسلّمهٔ متداوله مذهبی که داشتند، آن را اجرا می‌کردند. سرانجام در اسفند ۱۳۵۳ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست در ۱۷ ماده به تصویب رسید و به موجب قانون مذکور، نهاد خاصی به نام «سرپرستی» مورد قبول واقع شد که شکل محدودی از فرزندخواندگی به معنای مرسوم پیشین بود و نوعی از آن محسوب می‌شد و در آن، شرایط طفل مورد سرپرستی، سرپرستان و تشریفات قانونی پذیرش فرزند مورد توجه قرار گرفت.

در حقیقت به رغم این که در قانون مدنی در بخش قرابت، فرزند خواندگی مسکوت مانده بود اما این امر مانع از آن نبود که زوجین محروم از داشتن فرزند، کودکانی که پدر و مادر خود را از دست داده و دچار خلاءهای عاطفی بودند، تحت سرپرستی خود درآورند. وجود چنین امری قانون‌گذار را به نظم دادن این رابطه با توجه به شرایط موجود در جامعه سوق داد تا راه سوءاستفاده را مسدود سازد. قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ تاحدی نقایص موجود را از بین برد. این قانون به دلیل احترام به سنت‌های مذهبی، عنوان فرزند خواندگی را کنار گذارد، اما نهاد تأسیس شده در آن همان فرزند خواندگی است که با شرایط و قیودی همراه شده است (۵).

البته این قانون دارای نقایصی بود از جمله این که شرایط ماهوی اخذ سرپرستی در آن بسیار دشوار بود و یا اینکه در مورد وحدت تابعیت یا اختلاف تابعیت پدرخوانده و مادرخوانده و فرزندخوانده ساکت بود، و بسیاری از آثار حقوقی حکم سرپرستی که در روابط میان فرزندخوانده و سرپرستان حاکم می‌شود، در آن بلاتکلیف گذاشته شده بود یا اینکه مبهم به نظر می‌رسید. به هر حال با توجه به ضرورت اصلاح و توسیع احکام قانون، در سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

سرپرست و بدسرپرست، گامی رو به جلو برای تثبیت و تنظیم قواعد فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران برداشت.

در سویی دیگر، انگلستان یکی از آخرین نظام‌های حقوقی مهم در جهان است که امکان قانونی فرزندخواندگی را فراهم نموده است. قانون فرزندخواندگی انگلیس به وسیله مجلس بریتانیا در ۴ آگوست ۱۹۲۶ به تصویب رسید که در یک ژانویه ۱۹۲۷ نیز اجرایی شد. البته این که یک شرایط قانونی برای فرزندخواندگی رسمی و تشریفاتی در انگلستان وجود نداشت، به این معنا نیست که فرزندخواندگی تا پیش از سال ۱۹۲۷ در قلمرو این کشور امری ناشناخته به حساب می‌آمده است؛ بلکه پیش از تصویب قانون، ترتیبات و تشریفاتی عرفی برای فرزندخواندگی به صورت دوفاکتو De facto (در عمل) وجود داشته است که البته رویه مذکور هیچ موقعیت معتبر قانونی برای انتساب کودک به زوجین سرپرست ایجاد نمی‌نموده است. شمار دقیق این نوع فرزندخواندگی‌ها در انگلستان (پیش از تصویب قانون) مشخص نیست چرا که این فرزندخواندگی‌های عملی، ثبت نمی‌شده است و بنابراین گزارش یا شمارشی هم در مورد آن صورت نمی‌گرفته است (۶).

آقای «کلارک هال»، یکی از افراد سرشناس در دادگاه اطفال، این وضعیت و ضرورت اجتماعی فرزندخواندگی و لزوم تصویب قانون در مورد آن را به خوبی ترسیم نموده است. به نظر او، انگیزه قانون‌گذاری در زمینه فرزندخواندگی، ایده‌ای ساده است مبتنی بر اعطای امتیازات والدینی به خانواده‌های بدون فرزند و تحت حمایت خانواده درآوردن کسانی که بدون خانواده هستند یا کسانی که خانواده آن‌ها ابزار یا توانایی لازم برای نگهداری و سرپرستی از کودکان خود را ندارند. در حالی که مبالغ عظیمی در کشور صرف هزینه نگهداری از کودکان یتیم و فراهم آوردن امکانات و جای مناسب زندگی برای آن‌ها می‌شود، نسبتاً افراد کمی مسئولیت نگهداری از ایتام و کودکان نیازمند را در خانه‌های خود، تقبل نموده‌اند. دلیل اصلی این امر هم آشکار است. چراکه اشخاص خوش قلب و مهربانی که ممکن است کودکی را برای سال‌ها نگهداری نمایند و به مانند فرزند خود با وی رفتار کنند، هزینه‌های بسیاری را صرف تحصیلات او کنند،

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

بیشترین محبت خود را معطوف او نمایند، با این خطر دست به گریبان هستند که در هر لحظه‌ای یا در هر سنی پیش از رسیدن کودک به ۱۶ سال، پدر و مادر طبیعی طفل به پشتوانه حق قانونی خود رجوع نموده و کودک را منتقل نمایند و کسانی که تا کنون کودک را پرورش داده‌اند و با او انس گرفته‌اند را از دیدن دوباره‌اش محروم نمایند. حتی در جایی که والدین زیستی تمایل چندانی به بزرگ کردن کودک خود نداشته باشند این امکان وجود دارد که از سرپرستان کودک تقاضای پول نمایند و این اشخاص نیز ترجیح بدهند که مبلغی بپردازند ولی بین آنها و کودکی که با عشق پرورش می‌دهند، فاصله‌ای ایجاد نشود (۶).

به هر حال در انگلستان از پیش از تصویب قانون، خانواده‌ها، کودکان بی‌سرپرست را فارغ از امکان یا اثر قانونی آن به سرپرستی گرفته و از آنها مراقبت می‌نمودند. این خلأ قانونی، در طول زمان موجبی برای افزایش فشار برای تدوین قوانین و نهادی منسجم در آن کشور شد؛ امری که تا قبل از سال ۱۹۲۶ در انگلستان امکان‌پذیر نبود (۷).

سرانجام با وضع قانون فرزندخواندگی کودکان مصوب ۱۹۲۶، فرزندخواندگی در انگلستان و ولز مورد پذیرش واقع شد و تحت پوشش قانون درآمد. این قانون که نخستین قانون فرزندخواندگی در بریتانیا به شمار می‌آید علاوه بر انگلیس و ولز، در سال‌های بعد، در ایرلند شمالی (۱۹۲۹) و اسکاتلند (۱۹۳۰) نیز مورد توجه قرار گرفت. در ادامه، براساس اصلاحات قانون فرزندخواندگی در سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۴ و الحاقیه به قانون فرزندخواندگی در سال ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶، و همچنین توجه به فرزندخواندگی در قانون کودکان مصوب ۱۹۸۹ این نهاد در قانون، روند رو به تکامل خود را پیش گرفت (۸). در نهایت، قانون کودکان و فرزندخواندگی مصوب ۲۰۰۲ که مکمل قوانین پیشین است، یکی از نمونه‌های نوین قواعد فرزندخواندگی در نظام حقوقی انگلستان به شمار می‌آید.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

ماهیت و آثار حقوقی فرزندخواندگی

۱- ماهیت و آثار حقوقی فرزندخواندگی در اسلام

همانطور که در بحث‌های قبلی گفته شد، در دوره جاهلیت پیش از اسلام وقتی کودکی را به عنوان فرزند می‌پذیرفتند، همه آثار فرزند زیستی شامل محرمیت، ممنوعیت ازدواج و وراثت را بر او مترتب می‌ساختند. آثار سوء این روش موجب شد خداوند در آیات ۴ و ۵ سوره احزاب، فرزندخواندگی را به شکلی که در اعراب جاهلیت بود، منع نماید فلذا براساس آیات مذکور، برخی از آثار فرزندخواندگی نسخ شده است و حتی پیامبر جهت اعلام این موضوع که فرزند خوانده، فرزند واقعی نیست و همه آثار فرزند خونی را ندارد، با همسر سابق فرزند خوانده خود، ازدواج نمود.

در روایات متعددی نیز برخی احکام فرزندخواندگی بیان شده است. در کتاب سنن ابی داود پیرامون این مسئله آمده است: قامَ رجلٌ فقالَ: یا رسولَ الله، اِنّ فلانا ابنی عاهرتُ بأُمه فی الجاهلیهٔ فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «لا دِعوَهَ فِی الاسلام، ذهبَ اَمرُ الجاهلیهٔ، الولدُ لِلفراشِ و لِلعاهرالحجَرٌ» مردی برخاست و گفت: یارسول الله، فلانی پسر من است، در زمان جاهلیت با مادرش زنا کردم، پس رسول خدا (ص) گفت: فرزندخواندگی در اسلام نیست، رسم جاهلیت از بین رفته و فرزند متعلق به صاحب بستر (شوهر) و مجازات شخص زنا کننده، رجم است (۹). و نیز روایت شده است: «المُستَلاطُ لایَرِثُ وَ لایُورَثُ وَ یُدعَی إلی أَبیه» (۱۰) به این معنا که فرزندخوانده نه ارث می‌برد و نه از او ارث برده می‌شود و به نام پدرش خوانده می‌شود. و از قول پیامبر (ص) خطاب به علی (ع) آمده است: «...یا علیٌّ مَن اِنتَمی إلی غَیرِ مَوالیهِ فَعَلَیه لَعنَهُ ُ الله...» (۱۱) یا علی، کسی که خود را به غیر موالی خود نسبت دهد پس لعنت خدا بر او باد. و نیز روایتی منقول است مبنی بر این که: «لَیسَ من رجلٍ دعی لِغَیر أبیه و هُو یعلمه الّا کَفَر» به این معنا که جز از کفر مرد نیست که کسی را که به غیر پدرش بخواند در حالیکه او می‌داند که پدرش نیست (۱۲).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

اما به موازات این روایات که در خصوص آثار فرزندخواندگی است، براساس روایات متعددی که پیشتر مذکور گردید، بر عهده گرفتن امور ایتام و سرپرستی آنان مورد توجه معصومین و سیره عملی‌شان در زندگی بوده است. به دیگر سخن، فرزندخواندگی در اسلام به طور مطلق منع نشده است بلکه از نظر علمای اسلام، کودک بی‌سرپرست نباید مهمل گذارده شود و لازم است به نحوی تحت سرپرستی قرار گیرد (۵). با این اوصاف، نخستین گام در اصلاح وضع یتیم و حفظ حیات او، این است که به زندگی متلاشی شدهٔ وی سر و سامان بخشیده شود و برای او سرپرستی تعیین گردد تا در سایه آن، حیات خود را بازیابد و گام در مسیر رشد بگذارد (۱۳).

به طور کلی با توجه به ماهیت فرزندخواندگی در اسلام که به نظر می‌رسد نه تنها در حقیقت بلکه در ظاهر هم نمی‌تواند یک رابطه نسبی باشد، لذا در مورد آثار فرزندخواندگی یا سرپرستی در حقوق اسلامی باید به نکات ذیل اشاره داشت:

۱- فرزند خوانده از پدر و مادر ارث نمی‌برد و بالعکس، همچنین اصولاً تکلیف شرعی به انفاق بین آنها وجود ندارد (۱۴).

۲- بنابر نظریه فقهای اهل سنت ازدواج فرزند خوانده و سرپرستان او مانع قانونی ندارد کما این که در فقه امامیه نیز هیچگاه ازدواج فرزندخوانده و سرپرست باهم ممنوع نبوده است (۱۵).

در واقع، وفق آیات قرآن (۲۳ سوره نساء) فرزندخوانده جزو هیچکدام از محارم نیست، با وجود این به لحاظ رعایت موازین شرعی و مصالح اجتماعی، برخی فقها در جایی که مادر، پسر را به فرزندخواندگی می‌پذیرد یا پدر، دختر را به فرزندخواندگی پذیرفته است، پیشنهاد داده‌اند با شیر دادن به کودک (ایجاد محرمیت رضاعی) و یا عقد نکاح و... این محرمیت ایجاد گردد (۱۶). برخی نیز اعتقاد دارند که ممنوع بودن نکاح این کودکان با اشخاصی که بیان شد (سرپرستان و خویشان بسیار نزدیک) باید براساس آداب و رسوم اجتماعی و سنت‌ها برقرار شود (۱۷).

۳- در مورد حضانت و ولایت و قیمومت، امور مزبور در فقه برعهده ابوین و سایر اشخاص مقرر است اما با وجود این در صورت فقدان آنها یا عدم اجرای تکالیف آنها،

مرجان ارسطویی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

لاجرم باید سرپرستان را دارای حق حضانت و قیمومت در محدوده تجویز حاکم شرع و قانون دانست.

۲- ماهیت و آثار حقوقی فرزندخواندگی در ایران

با تبعیت از مبانی فقهی، به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز ماهیت فرزندخواندگی، فرزندخواندگی به معنای فنی آن نبوده بلکه رابطه‌ای مبتنی بر حکم قضایی و در واقع بیانگر سرپرستی است و لذا منطبق با ماهیت رابطه والدین با فرزند طبیعی خود نیست. با وجود این همانطور که خواهیم دید قانون‌گذار در بحث آثار فرزندخواندگی شرایطی را مقرر داشته است که در مقابل تکالیفی که به واسطه سرپرستی بر دوش والدین قرار می‌گیرد، حقوقی نیز نسبت به فرزندخوانده برای آنها متصور خواهد بود و بر این اساس سعی شده هرچه بیشتر رابطه فرزندخوانده با سرپرستان مشابه با رابطه والدین با فرزندان خود باشد.

در سراسر مدت فرزندخواندگی این حقیقت مدنظر قرار می‌گیرد که فرزندخوانده، فرزند واقعی شخص دیگری است. بنا نیست این نهاد اعتباری تمامی روابط فرزندخوانده و خانواده حقیقی‌اش را قطع و پیشینه او را دگرگون سازد، بلکه هدف این است که اگر سیر طبیعی امور توان اعطای نیازهای اولیه و حیاتیِ بخشی از جامعه را ندارد، به کمک عالم اعتبار و فرض، این نقصان جبران شود. بنابراین نهاد فرزندخواندگی جایگزین کامل نهاد خانواده نمی‌گردد، بلکه تکمیل‌کننده آن است (۱۸).

این رویکرد را به وضوح می‌توان در ماده ۲۲ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، مشاهده نمود. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «پس از صدور حکم قطعی سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال و اداره بهزیستی مربوط ابلاغ می‌شود. اداره ثبت احوال مکلف است نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند. همچنین اداره ثبت احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

سرپرست صادر و در قسمت توضیحات مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نماید».

از حیث آثار، ماده ۱۷ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، مقرر نموده است: «تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه، با رعایت تبصره ماده ۱۵ و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست، احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند.» با وجود این از مفاد قانون چنین برمی‌آید که طفل پذیرفته شده از هر حیث به منزله فرزند خانواده نیست. رابطه حقوقی تنها بین زن و شوهر سرپرست و فرزندخوانده ایجاد می‌شود و سایر خویشان مانند اجداد و فرزندان زن و شوهر، با طفل نسبتی ندارند.

با این حال، چون فوت زوجین در زمرهٔ موارد انحلال سرپرستی نیامده است، باید دید آیا ولایت به پدر زوج سرپرست واگذار می‌شود یا او نسبت به فرزندخواندهٔ پسرش سمتی ندارد. در این زمینه ماده ۲۰ قانون سال ۱۳۹۲، بیان می‌دارد: «در صورت فوت یا زندگی مستقل و جدایی هر یک از سرپرستان یا وقوع طلاق بین آنان، دادگاه می‌تواند با درخواست سازمان و با رعایت مفاد این قانون، سرپرستی کودک یا نوجوان را به یکی از زوجین یا شخص ثالث واگذار نماید. رعایت نظر کودکان بالغ در این خصوص ضروری است.»

بنابراین، باید برای طفل قیم معین شود و اراده زن و شوهر در قبول سرپرستی تنها برای آنان ایجاد تکلیف می‌کند؛ ولی حق این بود که قانون‌گذار وضع فرزندخوانده را شبیه فرزند حقیقی بسازد و حمایت خود را از کودکان بدون سرپرست کامل سازد و برای تأمین آزادی پدربزرگ نیز به او اختیار دهد که ولایت را رد کند (۱۹).

همچنین براساس ماده ۱۶ قانون، «اموالی که در مالکیت صغیر تحت سرپرستی قرار دارد درصورتی اداره آن به سرپرست موضوع این قانون سپرده می‌شود که طفل فاقد ولی قهری باشد و یا ولی قهری وی برای اداره اموال او شخصی را تعیین نکرده باشد و مرجع صالح قضایی قیمومت طفل را برعهده سرپرست قرار داده باشد.» بنابراین،

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

قیمومت و اداره اموال فرزندخوانده نیز باید از طریق مرجع صالح قضایی به عهده سرپرست قرار گیرد.

مسئله مهم بعدی امکان توارث بین فرزندخوانده و سرپرستان می‌باشد. این امر اگرچه به صراحت در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست سال ۱۳۵۳ تصریح شده بود (ماده ۲ قانون: «این سرپرستی به منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل برقرار می‌گردد ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود»)؛ لیکن در قانون جدید این ماده حذف شده است. به موجب ماده ۸۶۱ ق.م، موجبات ارث، نسب و سبب می‌باشد و کسانی با هم قرابت نسبی دارند که با هم رابطه خونی مشروع داشته باشند و چون فرزندخوانده رابطه نسبی و خونی با پدرخوانده و مادرخوانده ندارد، اصولاً فرزندخوانده از زوجین و زوجین از فرزندخوانده ارث نخواهند برد؛ ولی همان‌گونه که می‌دانیم، پدر و مادر سرپرست برای حفظ و نگهداری کودک بی‌سرپرست، او را تحت حمایت خود گرفته‌اند و هدفشان این است که اموال خود را برای این کودک به نوعی، ارث بگذارند (۱۹).

همانطور که گفته شد، در حقوق ایران، فرزندخوانده منحصراً با پدرخوانده و مادرخوانده رابطۀ حقوقی خاص پیدا خواهد کرد و این رابطۀ حقوقی طوری نیست که به اقارب دیگر نسبی و سببی یا رضاعی زوجین سرایت کند. به این ترتیب، ولایت و تکلیف حضانت و نفقه و حرمت نکاح و امثال آن قابل سرایت به ابوین یا برادر و خواهر و اعمام و اخوال زوجین سرپرست نیست (۲۰).

از طرف دیگر نیز باید توجه داشت که فرزندخوانده نمی‌تواند با خویشان نسبی و رضاعی خویش نکاح کند و حکم سرپرستی هیچ تغییری در منع قانون‌گذار نمی‌دهد و در واقع رابطه نسبی او با خویشان قبلی پابرجا خواهد بود. همچنین، فرزندخوانده از اقوام خود ارث می‌برد و ترکۀ او نیز با رعایت قواعد ارث به آنان می‌رسد، لیکن به نظر می‌رسد هرگاه عین اموالی که زوجین سرپرست براساس حکم سرپرستی به فرزندخوانده بخشیده‌اند موجود باشد، به خودشان باز می‌گردد و جزء ترکه به وارث منتقل نمی‌شود (۱۹).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

۳- ماهیت و آثار حقوقی فرزندخواندگی در انگلستان

در حقوق انگلستان، فرزندخواندگی، روشی برای فراهم آوردن یک خانواده جدید برای بچه‌هایی است که نمی‌توانند نزد والدین زیستی خود نگاه داشته شوند. فرایند فرزندخواندگی یک روند اجرایی قانونی و حقوقی است که در آن تمام مسئولیت والدین به پدرخوانده و مادرخوانده انتقال داده می‌شود. بر این اساس، «اثر حکم فرزندخواندگی، قطع مسئولیت و حقوق والدین اصلی و انتقال مسئولیت و حقوق به شخص یا اشخاص پذیرنده (پدر یا مادر یا زوجین پذیرنده) می‌باشد. پس از قطعیت فرزندخواندگی، هیچ اختلاف و تفاوت حقوقی و قانونی، بین فرزندانی که به فرزندی پذیرفته شده‌اند و فرزندانی که توسط والدین مزبور به دنیا آمده‌اند وجود نخواهد داشت». در واقع در این تأسیس، فرزندخواندگان دارای حقوق همسان با سایر فرزندان والد یا والدین پذیرنده می‌باشند و تفاوتی میان آنها نیست.

به عبارت دیگر با صدور حکم فرزندخواندگی از ناحیه دادگاه، حقوق و تکالیف والدین طبیعی یا قیم ملغی می‌شود و این حقوق و تکالیف به کسانی که کودک را به فرزندخواندگی پذیرفته‌اند، منتقل می‌شود. با وقوع فرزند خواندگی، فرض می‌شود که کودک، فرزند مشروع پدر و مادر اکتسابی بوده و بسیاری از علایق قبلی از بین می‌رود. حتی گاه والدین طبیعی از هویت سرپرستان مطلع نمی‌شوند. همچنین، فرزند خوانده‌ها دارای همان حقوق ارثی هستند که براساس وصیت‌نامه، اسناد و فوت بدون وصیت برای کودکان طبیعی متولد شده از سرپرستان در خلال زناشویی ایجاد می‌شود مگر این‌که تعلق این حقوق به فرزندخوانده به صراحت استثناء شده باشد (۲۱).

در بند یک قسمت ۶۷ قانون کودکان و فرزندخواندگی مصوب ۲۰۰۲، بر این امر تصریح شده است که فرزندخواندگی رابطه قانونی میان کودکی که به فرزندخواندگی پذیرفته شده است و پدر و مادر زیستی او را خاتمه می‌دهد (۲۲).

در حقوق انگلیس، اگرچه در گذشته‌های نه چندان دور، ارث بردن فرزند خوانده از پذیرندگان ممنوع بود، لیکن در حال حاضر توارث میان کودک و خانوادهٔ واقعی او قطع و این رابطه در خانوادهٔ جدید جایگزین می‌گردد (۲۳).

مرجان ارسطویی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

در انگلستان با توجه به ماهیت فرزندخواندگی که یک نوع نسبت قانونی به شمار می‌رود و آثار یکسانی با رابطه حقوقی والدین و فرزندان طبیعی دارد، انحلال آن به صرف این که فرزندخواندگی، یک رابطه حقیقی نیست، حتی توسط والدین اصلی امکان‌پذیر نخواهد بود.

در قسمت ۴۶ قانون کودکان و فرزندخواندگی انگلستان مصوب سال ۲۰۰۲، آثار حکم فرزندخواندگی بیان شده است. در بند یک قسمت ۴۶ قانون، مقرر شده است که حکم فرزندخواندگی حکمی است که به‌وسیله دادگاه و برمبنای تقاضانامه فرزندخواندگی (در قسمت‌های ۵۰ و یا ۵۱) صادر می‌شود و براساس آن مسئولیت‌های والدینی را برای زوجین یا شخص متقاضی مستقر می‌نماید.

به طور کلی، براساس قوانین انگلستان صدور حکم سرپرستی، آثار ذیل را در پی خواهد داشت.

۱- فرزندخواندگی از حالت موقت و آزمایشی، به صورت دائمی در خواهد آمد.

۲- یک گواهی رسمی فرزندخواندگی مشتمل بر نام جدید کودک به سرپرست داده می‌شود که اطلاعات آن جایگزین شناسنامه اصلی خواهد شد.

۳- کودک حقوق کاملاً مشابه با وضعیت فرزند واقعی خواهد داشت از جمله در مورد وراثت.

۴- حکم دادگاه مبنی بر سرپرستی، مسئولیت والدینی را از والدین زیستی کودک یا هر کسی که مسئولیتی در خصوص سرپرستی وی دارد، برطرف می‌نماید (۲۴).

در خصوص مسئولیت والدینی در حقوق انگستان باید این توضیح را داد که مسئولیت والدینی به معنای داشتن حق و تکلیف تصمیم‌گیری در خصوص کودک است که این مسئولیت علاوه بر این که به طور اتوماتیک بر عهده والدین زیستی قرار می‌گیرد، با توجه به شرایط و براساس توافق یا حکم دادگاه، ممکن است اشخاص دیگری چون ناپدری، نامادری، مادر رضاعی و قیم قانونی واجد این مسئولیت گردند. تنها راه فسخ مسئولیت والدین زیستی که به طور خودکار برقرار شده است، از طریق فرزندخواندگی می‌باشد. این مسئله خصوصاً در مورد رعایت منافع و مصالح فرزندان

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

طبیعی که خارج از چارچوب ازدواج به دنیا می‌آیند مورد توجه قوانین و مقررات این کشور قرار گرفته است که براساس قاعده این فرزندخواندگی نیز باید با اعلام رضایت والد یا والدین زیستی همراه باشد، مگر در شرایط خاصی که خطری فرزند آنان را تهدید می‌کند و یا این که به واسطه بیماری روانی پدر و مادر زیستی، صلاحیت ابراز رضایت در آنها وجود ندارد.

شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان

۱- شرایط ماهوی و شکلی فرزندخواندگی در حقوق ایران

از حیث ماهوی، وفق ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست مصوب ۱۳۹۲ افراد زیر می‌توانند سرپرستی کودکان و نوجوانان مشمول این قانون را از سازمان بهزیستی درخواست نمایند:

الف- زن و شوهری که پنج سال از تاریخ ازدواج آنان گذشته باشد و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند، مشروط به این که حداقل یکی از آنان بیش از سی سال سن داشته باشد.

ب- زن و شوهر دارای فرزند مشروط بر این که حداقل یکی از آنان بیش از سی سال سن داشته باشد.

ج- دختران و زنان بدون شوهر، درصورتی که حداقل سی سال سن داشته باشند، منحصراً حق سرپرستی اناث را خواهند داشت.

در تبصره نخست ماده فوق مقرر شده است که چنانچه به تشخیص سازمان پزشکی قانونی امکان بچه‌دار شدن زوجین وجود نداشته باشد، درخواست‌کنندگان از شرط مدت پنج سال مقرر در بند (الف) این ماده مستثنی می‌باشند. همچنین وفق تبصره ۲، اگر درخواست‌کنندگان سرپرستی از بستگان کودک یا نوجوان باشند، دادگاه با اخذ نظر سازمان و با رعایت مصلحت کودک و نوجوان می‌تواند آنان را از برخی شرایط مقرر در ماده مستثنی نماید. اولویت در پذیرش سرپرستی نیز به ترتیب با زن و شوهر بدون

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

فرزند، سپس زنان و دختران بدون شوهر فاقد فرزند و در نهایت زن و شوهر دارای فرزند است (تبصره ۳ ماد ۵).

با مقایسه ماده فوق با ماده ۳ قانون پیشین مشخص می‌گردد که علاوه بر این که مسائل بیشتری نظیر تعیین اولویت‌های سرپرستی طفل، مورد پیش‌بینی قانون‌گذار قرار گرفته است، همچنین با در نظر گرفتن امکان اخذ سرپرستی از سوی زوجین دارای فرزند و نیز دختران و زنان بدون شوهر، عملاً اشخاص بیشتری فرصت سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست را خواهند داشت.

در ماده ۶ قانون سال ۱۳۹۲ نیز با افزودن و تغییر چند بند، شرایط درخواست-کنندگان سرپرستی شامل موارد ذیل دانسته شده است:

الف- تقیّد به انجام واجبات و ترک محرمات؛

ب- عدم محکومیت جزایی مؤثر با رعایت موارد مقرر در قانون مجازات اسلامی؛

ج- تمکن مالی؛

د- عدم حجر؛

هـ- سلامت جسمی و روانی لازم و توانایی عملی برای نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی؛

و- نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، مواد روانگردان و الکل؛

ز- صلاحیت اخلاقی؛

ح- عدم ابتلاء به بیماری‌های واگیر و یا صعب العلاج؛

ط- اعتقاد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

تبصره یک ماده فوق نیز رعایت اشتراکات دینی میان سرپرست و افراد تحت سرپرستی را الزامی دانسته است. با وجود این، دادگاه صالح می‌تواند با رعایت مصلحت کودک و نوجوان غیرمسلمان، سرپرستی وی را به درخواست‌کنندگان مسلمان بسپارد.

همچنین در ماده ۸، شرایطی برای فرزندخواندگان مقرر داشته است؛ بدین صورت که برای اقدام به سرپرستی اطفال باید یا امکان شناخت هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری آنان وجود نداشته باشد یا این که پدر، مادر، جد پدری و وصی منصوب از سوی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

ولی قهری آنان در قید حیات نباشند و یا در زمره کودکانی باشند که سرپرستی آنان به موجب حکم مراجع صلاحیت‌دار به سازمان بهزیستی سپرده شده است لیکن تا زمان دو سال از تاریخ سپردن آنان به سازمان، پدر یا مادر و یا جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری برای سرپرستی آنان مراجعه ننموده باشند. به علاوه، اگر هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری کودکان و وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را نداشته باشند و به تشخیص دادگاه صالح صلاحیت مزبور حتی با ضم امین یا ناظر نیز حاصل نشود، می‌توان سرپرستی آنها را واگذار نمود.

براساس قانون، کودکان و نوجوانانی که یکی از شرایط فوق را دارا باشند، باید نابالغ نیز باشند و یا اینکه اگر به بلوغ رسیده‌اند، زیر شانزده سال سن داشته باشند و به تشخیص دادگاه، عدم رشد و یا نیاز آنان به سرپرستی احراز شود (ماده ۹). همچنین برای هماهنگی نهاد سرپرستی با قیمومت و نصب امین و وصی در قانون مدنی (مواد ۱۱۸۴ الی ۱۱۸۸ قانون مدنی) در ماده ۱۰ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی-سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ اینطور آمده است: «در کلیه مواردی که هیچ یک از پدر، مادر یا جد پدری یا وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر نداشته باشند، دادگاه می‌تواند مطابق این قانون و با رعایت مواد (۱۱۸۴) و (۱۱۸۷) قانون مدنی و با اخذ نظر مشورتی سازمان، مسؤولیت قیم یا امین مذکور در این مواد را به یکی از درخواست‌کنندگان سرپرستی واگذار نماید.»

از حیث شکلی، در گذشته چنانچه خانواده‌ای متقاضی سرپرستی کودکی بود به دادگاه مراجعه کرده و سپس به بهزیستی ارجاع داده می‌شد لیکن در حال حاضر متقاضیان سرپرستی باید ابتدا به بهزیستی مراجعه نموده و بعد از تأیید بهزیستی به دادگاه صالح برای تأیید صلاحیت‌های قانونی چون عدم سوءسابقه، مسائل هویتی، اسناد ازدواج، امور پزشکی قانونی و... مراجعه کنند. ماده۱۱ قانون سال ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر می‌دارد: «تقاضانامه درخواست‌کنندگان سرپرستی باید به سازمان ارائه گردد و سازمان مکلف است حداکثر پس از دو ماه نسبت به اعلام نظر کارشناسی آن را به دادگاه صالح تقدیم دارد. دادگاه با احراز شرایط مقرر در این قانون و با لحاظ نظریه

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

سازمان، نسبت به صدور قرار سرپرستی آزمایشی شش ماهه اقدام می نماید. قرار صادره به دادستان، متقاضی و سازمان ابلاغ می‌گردد.»

به لحاظ عملی، با توجه به اطلاعات موجود در وبسایت سازمان بهزیستی استان تهران، امور مربوط به فرزندخواندگی در هر استان فقط از طریق کمیته ستادی استان و توسط کمیته شبه خانواده استان انجام خواهد گرفت. اعضای این کمیته شامل مدیرکل بهزیستی استان، معاون امور اجتماعی، کارشناس شبه خانواده استان، کارشناس فرزند خواندگی، مددکار و کارشناس حقوقی استان است. کودکانی را می‌توان به عنوان فرزند خوانده انتخاب کرد که تمام تلاش‌ها و کوشش‌های حرفه‌ای جهت شناسایی والدین و بازگشت کودک به خانواده مؤثر واقع نشده باشد. مشاوره قبل از فرزندپذیری از موارد مهمی است که زوجین قبل از تشکیل کمیته فرزندخواندگی باید در آن شرکت کنند و نتیجه جلسات در پرونده درج شود.

چنانچه تصمیم کمیته مبنی بر پذیرش متقاضیان باشد در لیست نوبت قرار می‌گیرند و در صورت فرا رسیدن نوبت جهت انتخاب فرزند به شیرخوارگاه معرفی می‌شوند. درصورت انتخاب فرزند، والدین متقاضی توسط بهزیستی استان به دادگاه صالحه جهت صدور قرار دوره آزمایشی (حکم سرپرستی موقت) معرفی خواهند شد. پس از صدور این حکم سرپرستی، کودک انتخابی طی صورت‌جلسه‌ای به والدین تحویل داده خواهد شد و همچنین مراتب به دادگاه مربوطه اعلام می‌شود. طی دوره آزمایشی ۶ ماهه، باید حداقل سه بازدید از طرف مددکاران اجتماعی از خانواده فرزندپذیر به عمل آید. درصورت تائید وضعیت مراقبت از فرزند و توانایی خانواده و حفظ منافع فرزند، گزارش نهایی تهیه و برای صدور حکم قطعی سرپرستی به دادگاه ذی‌ربط منعکس می‌شود. وفق ماده ۱۳ قانون، پس از پایان دوره سرپرستی آزمایشی، دادگاه با لحاظ نظر سازمان و با رعایت مفاد مواد ۱۴ و ۱۵ قانون، اقدام به صدور حکم سرپرستی و ابلاغ آن به اشخاص مذکور در ماده ۱۱ می‌نماید.

علاوه بر این، در مورد اخذ شناسنامه کودک با مشخصات والدین قانونی، اقدام مقتضی در این خصوص بعد از طی دوره شش ماهه آزمایشی و پس از صدور حکم

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

قطعی انجام خواهد گرفت. در این رابطه به منظور رعایت احوال شخصی کودک و فرد یا زوجین سرپرست، مفاد حکم سرپرستی تنها در اسناد مسکوت و محرمانه اداره ثبت احوال، ثبت و ضبط خواهد شد.

براساس ماده ۲۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، پس از صدور حکم قطعی سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال و اداره بهزیستی مربوط ابلاغ می‌شود. اداره ثبت احوال مکلف است نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند. همچنین اداره ثبت احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر و در قسمت توضیحات مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نماید.

مرجان ارسطویی

براساس تبصره اول این ماده، اداره ثبت احوال مکلف است سوابق هویت و نسبت واقعی طفل را در پرونده وی حفظ نماید. در تبصره دوم ماده فوق نیز بیان شده است که کودک یا نوجوان تحت سرپرستی می‌تواند پس از این که به سن هجده سالگی رسید، صدور شناسنامه جدیدی را برای خود با درج نام والدین واقعی در صورت معلوم بودن، یا نام خانوادگی مورد نظر وی، در صورت معلوم نبودن نام والدین واقعی، از اداره ثبت احوال درخواست نماید.

۲- شرایط ماهوی و شکلی فرزندخواندگی در حقوق انگلستان

از حیث ماهوی، در حقوق انگلستان هر شخص زیر هجده سال واجد شرایط فرزند خواندگی است، مشروط بر این که ازدواج نکرده باشد. در عمل نود درصد کل فرزند خواندگی‌ها در این کشور، در میان کودکان زیر ده سال صورت می‌گیرد (۲۱).

در این کشور، قانون و رویه قضایی (حتی پیش از تصویب قوانین اخیر فرزندخواندگی)، از پذیرش سرپرستی کودکان توسط زوجین یا شرکای همجنس‌گرا نیز

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

حمایت می‌کند. برای مثال، در یک پرونده که مادر طبیعی کودکی با حکم واگذاری فرزندخواندگی کودک به یک زوج همجنس‌گرا مخالفت کرده بود پس از آن که کودک مزبور به مدت دو سال تحت سرپرستی این زوج بود، به نظر دادگاه رسیدگی‌کننده به این دعوی، کودک به خوبی پرورش یافته و رشد نموده بود و تصمیم دادگاه این بود که در قانون فرزندخواندگی مصوب ۱۹۷۶ هیچ چیز مانع از منع فردی که تمایل به پذیرش فرزند خوانده دارد، نمی‌شود حتی اگر فرد مورد نظر در زمان پذیرش فرزندخواندگی زندگی مشترک یا روابط همجنس بازی داشته باشد! (۲۱).

قانون کودکان و فرزندخواندگی مصوب ۲۰۰۲ که به طور کامل در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۵ به مرحله اجرایی درآمده، این امکان را فراهم ساخته است که افراد بیشتری به عنوان پدرخوانده و مادرخوانده، مورد توجه آژانس‌های فرزندخواندگی قرار بگیرند. مشخصه بارز قانون جدید این است که تأکید بسیار ویژه‌ای نسبت به برآوردن نیازهای کودکان فرزندخوانده دارد و آن را به هر چیز دیگری اولویت می‌دهد. در واقع با توجه به این که در عمل بسیار دیده شده در نگهداری و پروش کودکان از طریق سرپرستی ممکن است نیازهای واقعی کودک نادیده گرفته شود، لذا، قانون یک مسئولیت قضایی برای همه نمایندگی‌های درگیر با فرایند فرزندخواندگی قرار داده است نسبت به این امر که باید نیازها و رفاه کودکان در رأس همه امور قرار گیرد. در واقع، این اصل راهنمای قانون در سراسر مواد مربوطه است. این امر در فصل اول و ذیل بندهای متعدد ماده یک قانون سال ۲۰۰۲ به وضوح قابل مشاهده است. برای مثال در بند دوم از ماده یک مقرر شده است که «مهمترین و والاترین اولویت برای دادگاه یا آژانس نمایندگی فرزندخواندگی می‌بایست رفاه کودک در سراسر زندگی‌اش باشد».

طبق حقوق انگلستان، برای اینکه یک کودک شرایط لازم را برای فرزندخواندگی داشته باشد، نخست لازم است در زمانی که درخواست فرزندخواندگی صورت می‌گیرد، زیر ۱۸ سال سن داشته باشد علاوه بر این که نباید متأهل باشد و قبلاً هم نمی‌بایست ازدواج کرده باشد ولو این که با هم جنس خود ازدواج نمود باشد.

والدین زیستی (اصلی) کودک نیز باید یکی از شرایط ذیل را دارا باشند:

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

۱- نتوان آنها را یافت.

۲- صلاحیت تصمیم‌گیری و یا اعلام رضایت نسبت به فرزندخواندگی طفل خود را نداشته باشند؛ مثل جایی که به واسطه بیماری روانی این مشکل بروز می‌نماید.

۳- کودکان در صورتی که مورد فرزندخواندگی قرار نگیرند، در معرض خطر باشند.

همچنین متقضیان سرپرستی در حقوق انگلیس باید سن ۲۱ یا بالای ۲۱ سال داشته باشند و دیگر هیچ محدودیتی نسبت به سنین بالاتر وجود ندارد. افراد ذی‌صلاح جهت ارائه درخواست، مشتمل‌اند بر افراد مجرد، متأهل، زوجین همجنس‌گرا، زوجینی که رسماً ازدواج ننموده‌اند (اعم از دو زوج جنس مخالف یا هم جنس) و فردی که شریک یا همسر یکی از والدین اصلی کودک باشد.

برای درخواست فرزندخواندگی نیازی نیست که فرد تابعیت بریتانیا را داشته باشد بلکه نیاز است او یا همسرش، یک منزل ثابت یا دائمی در انگلستان داشته باشند ضمن اینکه فرد و یا همسرش باید پیش از ارائه درخواست فرزندخواندگی، برای حداقل یکسال در انگلستان زندگی نموده باشند.

برای به فرزندی گرفتن یک کودک می‌توان از طریق یک «نمایندگی فرزندخواندگی» که جزیی از «شورای محلی» به حساب می‌آید و یا یک «نمایندگی آزاد فرزندخواندگی» اقدام نمود. در قسمت (۱)۸ از قانون کودکان و فرزندخواندگی مصوب ۲۰۰۲، آمده است: «نمایندگی حامی فرزندخواندگی»، به معنای نهاد مسئولی است که هدف آن یا یکی از اهدافش ارائه خدمات حمایت فرزندخواندگی باشد (۲۴).

به‌رغم این‌که در گذشته برخی از آژانس‌های فرزندخواندگی سیاست ممنوعیت برخی از گروه‌ها را برای پذیرش فرزند، اعمال می‌نمودند، ولی در قانون ۲۰۰۲ این شرط معین شده است که نمایندگی فرزندخواندگی باید به خواست و اراده درخواست-دهندگان توجه نماید و این که آیا آنها حاضر هستند توصیه‌های لازم را در این خصوص

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

بپذیرند؟ برای مثال، در زمینه افراد سیگاری، باید دید که توصیه‌های پزشکی را به منظور اخذ مجوز فرزندخواندگی، خواهند پذیرفت و اعمال خواهند نمود.

مسئله قابل ذکر دیگر این که از زمان تأیید صلاحیت زوجین یا متقاضی برای سرپرستی تا یافتن کودکی برای فرزندخواندگی، ممکن است در حد یکسال به طول انجامد. در واقع، قانون فرزندخواندگی انگلیس، یک فرایند انطباق‌پذیری منعطف را با اولویت شناخت و برآوردن نیاز کودک در فرزندخواندگی مورد نظر داشته است. همچنین، در قانون اخیر این کشور به دادن اطلاعات بسیار بیشتر در مورد کودک (نسبت به قبل) به زوجین درخواست‌دهنده توجه شده است تا بر این اساس متقاضیان سرپرستی بتوانند به این تشخیص برسند که آیا کودک مزبور با آنان و خانواده آنان، متناسب می‌باشد؟ (۲۵)

وفق قوانین انگلیس تطابق قومی، نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی والدین پذیرنده با والدین حقیقی کودک، به‌مثابه یکی از فاکتورهای رعایت منافع فرزند خوانده است؛ اگر چه این معیار قاطع نیست، فرض بر این است که در چنین شرایطی نیازهای کودک بهتر تامین گردیده است و آسایش او به‌گونه‌ی عملی فراهم می‌گردد. با وجود این، دولت صراحتاً اظهار نظر کرده که یک کودک نباید صرفاً به دلیل عدم تطابق فرهنگی یا نژادی متقاضیان، از داشتن پدرخوانده و مادرخوانده‌ای مهربان محروم شود. بنابراین، در صورت عدم وجود چنین تطبیقی، آژانس‌های فرزند خواندگی با نگاهی واقع بینانه به محدودیت‌های زمانی، اقدام به یافتن جایگزینی شایسته می‌نمایند (۲۳).

مسئله شایان ذکر دیگر در خصوص قانون سال ۲۰۰۲ انگلستان این است که تا پیش از تصویب این قانون و براساس قانون ۱۹۸۹، اصولاً کودکان بی‌خانمان برای سرپرستی و ایجاد رابطه فرزندخواندگی به زوجین متقاضی سرپرستی یا والدین پرورش‌دهنده یا خانواده‌های موجود (به جز والدین زیستی) سپرده می‌شدند. اما در اصلاحات قانون، نهادی تحت عنوان «قیمومت ویژه» Special Guardianship پیش‌بینی گردیده است.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

در واقع برای کودکان تحت سرپرستی، فرزندخواندگی گاهی اوقات نمی‌تواند گزینه مناسبی باشد. اغلب کودکان موجود در چنین شرایطی، به‌رغم این‌که نیازمند یک زندگی خانوادگی پایدار هستند اما در عین حال می‌خواهند خط ارتباطی خود را با خانواده‌های زیستی (پدر و مادری که از او متولد شده‌اند)، حفظ نمایند؛ این در حالی است که فرزندخواندگی وفق حقوق قضایی جاری، این رابطه را قطع می‌نماید و این فرصت دلخواه را از چنین کودکانی سلب خواهد نمود. به ویژه این که توجه به خصایص بین‌المللی قوانین فرزندخواندگی مبین این امر است که برخی از جوامع قومی از این که فرزندخوانده را فرزند سرپرستان بدانند اجتناب می‌نمایند. در این شرایط نیاز به یک شکل مدرن قانونی احساس می‌شد که بتواند علاوه بر این که زندگی در یک خانواده با ثبات را برای کودک فراهم کند، ارتباط قانونی والدین زیستی کودک را با او حفظ نماید. به نظر می‌رسد این مسئله با تأسیس حقوقی «قیمومت ویژه» در قانون انگلستان حل شده است.

بر این اساس، یک یا چند شخص می‌توانند به عنوان قیم خاص کودک انتخاب شوند و این بدان معناست که قیم خاص، در حدی که سرپرستی کودک را به عهده دارد مسئولیت قانونی او را نیز به عهده خواهد داشت. برای مثال می‌توان به مسئولیت‌ها و اختیاراتی چون رفتن کودک به مدرسه یا اجازه درمان پزشکی اشاره نمود. توجه و تربیت کودک از سوی قیم در این جا ضروری است هرچند ارتباط کودک برخلاف فرزندخواندگی با والدین اصلی خود باقی باشد. در این وضعیت، پدر و مادر طبیعی کماکان مسئولیت‌هایی قانونی نسبت به طفل دارند از جمله این‌که درخصوص فرزندخواندگی او در آینده اظهارنظر نمایند، لیکن به‌طور کلی مسئولیت والدینی آنان محدود خواهد بود. همچنین در این حالت، برای تغییر نام خانوادگی کودک یا خارج نمودن او از انگلستان به مدت بیش از سه ماه، نیاز به حکم مخصوص دادگاه وجود دارد (۲۵).

از حیث شکلی، در مورد فرایند فرزندخواندگی با توجه به قوانین و مقررات و رویه عملی نظام حقوقی انگلستان، به‌طور معمول اولین قدم، تماس با یک آژانس نمایندگی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

فرزندخواندگی است. این نمایندگی اطلاعات مربوط به فرایند فرزندخواندگی و تشریفات قانونی آن را برای درخواست‌کنندگان می‌فرستد. سپس مسئولین نمایندگی ترتیبی می‌دهند که تقاضاکنندگان را ملاقات نمایند و در صورت موافقت دو طرف برای ادامه پروسه فرزندخواندگی، نمایندگی، فرم درخواست‌نامه را به متقاضی تحویل می‌دهد.

به طور میانگین روند تصویب اولیه احراز صلاحیت متقاضی برای فرزندخواندگی چیزی حدود ۶ ماه به طول می‌انجامد و پس از این زمان است که رویه تطبیق شرایط اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی متقاضی با یک کودک (به عنوان فرزندخوانده) شروع می‌شود. در واقع پس از این که آژانس مربوطه تقاضانامه سرپرستی را از زوجین یا شخص مجرد متقاضی دریافت می‌نماید، اقدامات ذیل را به انجام خواهد رساند:

اول: دعوت متقاضیان به کلاس‌های آماده‌سازی که معمولاً در نزدیکی محل اقامت متقضایان انجام می‌شود و توصیه‌هایی را در مورد آثار فرزندخواندگی دربر دارد.

دوم: ترتیب ملاقات با یک مددکار اجتماعی در چندین وهله به منظور انجام ارزیابی لازم برای تشخیص مناسب بودن درخواست‌کننده سرپرستی.

سوم: هماهنگی برای بررسی سوابق در اداره پلیس؛ برای مثال اگر فرد درخواست‌دهنده یا یکی از اعضای خانواده او پیشتر جرمی علیه کودکان مرتکب شده باشد، تقاضای او پذیرفته نخواهد بود.

چهارم: نیاز به ارائه نام سه معرف که حداکثر یکی از آن‌ها می‌تواند از اقوام تقاضادهنده باشد.

پنجم: انجام یک بررسی کامل پزشکی در مورد میزان سلامت متقاضی.

پس از این، مددکار اجتماعی، گزارش ارزیابی خود را به یک پانل فرزندخواندگی مستقل ارسال می‌نماید که متشکل از افرادی با تجربه در زمینه فرزندخواندگی می‌باشند. این پانل، توصیه‌های خود را برمبنای ارزیابی صورت گرفته به نمایندگی فرزندخواندگی ارائه می‌نماید که سپس بر این اساس تصمیم گرفته خواهد شد که آیا فرد، صلاحیت سرپرستی دارد یا خیر. در صورت اعلام صلاحیت از سوی نمایندگی، فرایند یافتن کودکی مناسب جهت فرزندخواندگی شروع خواهد شد. بر این اساس،

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

نمایندگی فرد متقاضی را به یک نهاد تطبیق فرزندخواندگی و ثبت نام فرزندخواندگی در انگلستان یا خدمات فرزندخواندگی ملی در ولز معرفی می‌نماید. نهادهای مزبور بسته به مورد، تطبیق و معرفی مورد مناسب را سریعاً یا پس از چند ماه از احراز صلاحیت متقاضی، به انجام می‌رسانند. در واقع این نهادهای ثبت‌کننده، مسئولیت نگهداری اطلاعات کودکانی را دارا می‌باشند که در سراسر انگلستان و ولز نیاز به فرزندخواندگی دارند(۲۴).

آخرین گام، قانونی شدن فرایند فرزندخواندگی است. برای این امر باید درخواست صدور حکم فرزندخواندگی از دادگاه صالح به عمل آید. اثر مهم حقوقی این حکم، همانگونه که پیشتر بیان شد، انتقال کامل مسئولیت‌ها و حقوق والدینی به سرپرست می‌باشد. برای ارائه این تقاضانامه بدواً نیاز است که کودک حداقل به مدت ۱۰ هفته با والدین جدید به‌طور آزمایشی زندگی کند. اغلب این تقاضاها برای صدور حکم فرزندخواندگی رسمی، در دادگاه خانواده و در فرم‌های مخصوص، صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در حقوق اسلام، فرزندخواندگی به شکلی که در اعراب جاهلیت مرسوم بود در آیات و روایات مختلف به خصوص با صراحت آیات ۴ و ۵ سوره احزاب ممنوع و منسوخ شد اما با توجه به آیات قرآن کریم و احادیث بسیار دیگری که راجع به اهمیت سرپرستی کودکان یتیم و فاقد سرپرست وارد شده، به نظر می‌رسد نمی‌توان قائل به نسخ فرزندخواندگی در مبانی اسلامی گردید بلکه صرفاً شکل و آثار فرزندخواندگی دچار تغییر و محدودیت شده است. در واقع در آموزه‌های دینی به لحاظ دفع توالیِ فاسد ناشی از اجرای نهاد فرزندخواندگی با شیوه‌ها و انگیزه‌های ناصحیح، بیشتر بر وضعیت «سرپرستی» تأکید شده است.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

در حقوق ایران به لحاظ ماهیت، فرزندخواندگی منطبق با وضعیتی است که در حقوق اسلام وجود دارد و قانون‌گذار چه در قانون سال ۱۳۵۳ و چه در قانون سال ۱۳۹۲، تحت عنوان «سرپرستی» و با پرهیز از عبارت «فرزندخواندگی» در واقع شکل محدودی از فرزندخواندگی یا فرزندخواندگی ناقص را مورد نظر داشته است که می توان از آن تحت عنوان قرابت ناشی از فرزندخواندگی یاد نمود. با وجود این در قوانین داخلی با توجه به اقتضائات و ضرورت‌های اجتماعی، از حیث آثار سعی شده تا رابطه حقوقی فرزندخواندگی به رابطه حقوقی والدین و فرزندان طبیعی، نزدیک‌تر شود از جمله این که طبق قانون، نام سرپرست بر فرزندخوانده گذاشته می‌شود (البته با قید نام خواندگی اصلی طفل در اسناد سجلی ثبت احوال)، و تکالیف انفاق، حضانت و تربیت، اطاعت فرزندخوانده از سرپرست‌ها، اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل مشابه با تکالیف والدین زیستی و کودکان خود برقرار می شود و شرایط نکاح میان فرزندخوانده و سرپرست نیز محدود گردیده است.

اما در حقوق انگلستان برخلاف حقوق اسلام و ایران به لحاظ ماهیت‌شناختی، اصولاً فرزندخواندگی به شکل کامل خود وجود دارد و بر این اساس، با وقوع فرزند خواندگی، فرض می‌شود که کودک، فرزند طبیعی و مشروع پدر و مادر اکتسابی است و بسیاری از علایق قبلی از بین می‌رود و حتی گاه والدین طبیعی از هویت سرپرستان مطلع نخواهند شد. بر این اساس از حیث آثار نیز علاوه بر تعلق نام پدرخوانده یا مادرخوانده بر فرزندخوانده و ایجاد مسئولیت والدینی برای سرپرستان در مقابل کودک، فرزندخوانده‌ها دارای همان حقوق ارثی کودکان متولد شده از والدین طبیعی خود می-باشند.

در حقوق ایران، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، علاوه بر افزودن به مواد قانونی و پیش‌بینی ضوابط و تعیین تکلیف شرایط و آثار بیشتری در بحث سرپرستی، دایره افراد واجد صلاحیت برای فرزندخواندگی و همچنین اختیارات قضایی جهت تسهیل شرایط فرزندخواندگی را به-طور قابل توجهی افزایش داده است. در این خصوص از ابتکارات این قانون اجازه به

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

دختران و زنان بدون شوهر مجرد برای دریافت حق سرپرستی منحصر اطفال و کودکان اناث می‌باشد. طبق قانون مزبور و رویه عملی، متقاضیان سرپرستی باید ابتدا به بهزیستی مراجعه کرده و بعد از تأیید بهزیستی به دادگاه صالح برای تأیید صلاحیت‌های قانونی چون عدم سوءسابقه، مسائل هویتی، اسناد ازدواج، امور پزشکی قانونی و... مراجعه کنند. سپس در صورت تأیید صلاحیت، دادگاه نسبت به صدور قرار سرپرستی آزمایشی شش ماهه اقدام می‌نماید که پس از طی این زمان و در صورت فراهم بودن شرایط، حکم قطعی سرپرستی صادر می‌شود.

در انگلستان قانون کودکان و فرزندخواندگی مصوب ۲۰۰۲، جایگزین بسیاری از قواعد فرزندخواندگی در قانون سال ۱۹۷۶ و قانون کودکان سال ۱۹۸۹ گردیده و تحولاتی را در بحث فرزندخواندگی ایجاد نموده است. در این قانون، اصل رعایت رفاه (مادی و معنوی) کودک به عنوان مهمترین شاخص در فرزندخواندگی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین یکی از ابتکارات این قانون، پیش‌بینی نهاد سرپرستی ویژه است. در نظر گرفتن این نهاد، برای کودکانی است که نیاز دارند رابطه خود را با والدین زیستی خودشان حفظ نمایند ولی در عین حال برای رسیدن به یک زندگی خانوادگی با ثبات، فرزندخواندگی برای آنها لازم است. در نتیجه این رابطه، مسئولیت والدینی شامل حضانت و نگهداری و تصمیم‌گیری در امور طفل به سرپرست یا سرپرستان ویژه منتقل می‌شود لیکن ارتباط فرزندخوانده با والدین اصلی خود نیز محفوظ خواهد بود ضمن این که والدین وی می‌توانند در برخی امور کودک اظهار نظر کنند.

امور فرزندخواندگی در انگلیس غالباً از سوی آژانس‌ها یا نمایندگی‌های فرزندخواندگی انجام می‌شود. این مهم با انجام جلسات توجیهی، مشاوره‌ای و آزمایشات پزشکی لازم، بررسی پیشینه فرد متقاضی به لحاظ صلاحیت اخلاقی و عدم ارتکاب جرایم موثر در احراز صلاحیت جهت سرپرستی و بعضاً با مساعدت مراجع قانونی دیگر نظیر پلیس، مراکز پزشکی، مددکاران اجتماعی، پانل فرزندخواندگی و مراکز معرفی فرزندخوانده و تطبیق و ثبت فرزندخواندگی به انجام می‌رسد. به طور میانگین روند تصویب اولیه احراز صلاحیت متقاضی برای فرزندخواندگی در آژانس‌های مربوطه چیزی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

حدود ۶ ماه به طول می‌انجامد و پس از این زمان است که رویه تطبیق شرایط اخلاقی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی متقاضی با یک کودک شروع می‌شود. آخرین گام در فرایند فرزندخواندگی در حقوق این کشور، رسمیت فرزندخواندگی است. برای این امر باید درخواست صدور حکم فرزندخواندگی از دادگاه صالح به عمل آید. اثر حقوقی این حکم، قطع رابطه قانونی طفل با والدین زیستی و انتقال کامل مسئولیت‌ها و حقوق والدینی به سرپرستان می‌باشد.

نظر به یافته‌های تطبیقی، پیشنهاد می‌شود در حقوق ایران با گسترش قلمرو قانون، نسبت به تعیین تکلیف در خصوص کلیه آثار و جوانب فرزندخواندگی اهتمام شود. به‌طور خاص، در خصوص ارث بردن طفل از سرپرست در صورتی که به لحاظ آمره بودن احکام ارث امکان عدول از آن وجود ندارد، می‌توان به صورت یک تکلیف قانونی سرپرست را مکلف دانست که نسبت به وصیت به نفع فرزندخوانده به میزان مقرر و در محدوده یک سوم اموال خود وصیت نماید. اهمیت این امر به ویژه از این لحاظ قابل توجه است که طبق قانون سال ۱۳۹۲ اختیارات قضایی در مورد تصمیم‌گیری نسبت به فرزندخواندگی بسیار افزایش یافته است و دادگاه‌ها حتی می‌توانند در صورت تشخیص ضرورت بدون رعایت شروط مالی (مثل انتقال بخشی از اموال به نفع فرزندخوانده یا انجام بیمه به نفع او) حکم فرزندخواندگی را صادر کنند که به نظر می‌رسد در چنین مواردی باید به منافع کودک بیشتر اهمیت داد.

همچنین بهتر است که در قانون نسبت به منع مطلق نکاح سرپرست و فرزندخوانده به لحاظ ملاحظات عرفی و اخلاق حسنه مبتنی بر مقتضیات اجتماعی، تأکید شود تا بتوان جلوی مخدوش شدن رابطه فرزندخواندگی و احتمال سوءاستفاده‌های ناروا از فرزندخوانده را در این رابطه به حداقل ممکن رساند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

References

1. Emami A. The Legal Status of Adoption in Iran. Journal of Philosophical-Theological Research. 1999; 1(1):22-33.

2. Koleini MY. Al-Kafi. Tehran: Islamic Library; 1987. Vol. 7. p. 51.

3. Payande A. Nahj al-Fasaha. Tehran: Donyai Danesh; 2003. p. 470.

4. Jamal Khansari MH. Sharhe Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim. 2 ed. Tehran: Institute of Printing and Publishing University of Tehran; 1980. p. 633-634.

5. Tarazi S. A Study of Adoption in Iranian, British and Swedish Law. Payam-e-Danesh Magazine. 2009; 1(38):65-76.

6. Earl D. Myers, The English Adoption Law, Social Service Review. The University of Chicago Press. 1930;4(1):53-63.

7. Fadavi Lanjvani S. Conflict of Laws in Adoption. Kanoon Magazine. 2005; 2(56):151-170.

8. Keating J. Adoption in England and Wales: The Twentieth Century. 2017. Available at: http://www.historyandpolicy.org/docs/dfe-jenny-keating.pdf.

9. Sajestani SA. Sunan Abi Dawood. Saeed Muhammad Al-Laham. Beirut: Dar al-Fikr; 1940.

10. Tusi M. Tahzib al-Ahkam. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya; 1987. Vol. 8. p. 348.

11. Saduq M. Man Lā Yahḍuruhū al-Faqīh. Qom: Islamic Publications; 1993. p. 362.

12. Ibn Manzoor M. Lesan Al Arab. Beirut: Dar al-Fikr; 1994.

13. Sobhani J. Manshour Javid. Qom: Imam Sadegh (AS) Institute; 2004. Vol. 13. p. 154.

14. Beheshti A. Family in the Quran. 5 ed. Qom: Bustan Ketab Publications; 2006. p. 350.

مرجان ارسطویی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

15. Nasiri S. Jurisprudential Legal Study of Marriage of a Head of Family with an Adopted Child in Five Islamic Religions. MA Dissertation. Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2015.

16. Bahjat MT. Istifta'at. Qom: Office of Hazrat Ayatollah Bahjat; 2007.

17. Emami A. Adoption in Current Iranian Law. Journal of Philosophical-Theological Research. 2000; 2(3):38-59.

18. Mohammadi Ghavam M. Adoption in Iranian Law. MA Dissertation. Shahid Bahonar University of Kerman; 2015.

19. Mousavi Bojnourdi SM, Alaei Novin F. A Study of the Adoption Situation after the Islamic Revolution. Matin Research Journal. 2009; 12(42):21-46.

20. Safaei SH. Family Law. 2 ed. Tehran: University of Tehran Press; 1997. Vol. 2. p. 33.

21. Barker D, Padfild C. Law made simple. Tehran: Mizan Publication; 2005. p. 162-163.

22. Sloan BD. Post-Adoption Contact Reform: Compounding the state-ordered termination of parenthood. Cambridge LJ. 2014;73:378.

23. Overview of English Adoption Law. Center for Adoption Policy. 2019. available at: http://www.adoptionpolicy.org › pdf › eu-england.

24. Child Adoption in UK. Childcare and parenting. 2017. Available at: https://www.gov.uk/child-adoption.

25. Howell D. The Adoption and Children Act 2002: An Overview. 2014. Available at: http://www.courtroomadvice.co.uk/.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]